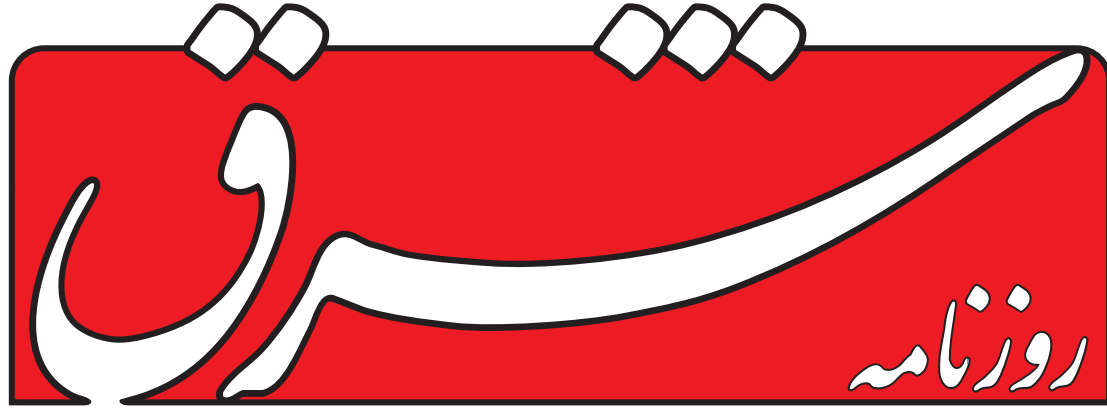




احمد غلامی

اوایل دهه ۶۰ به همراه گروهی برای کار فرهنگی-سیاسی به مناطق محروم سفر کرده بودیم. گروه ما در شهر زهکولوت، مرکز شهرستان جازموریان در استان کرمان بود. البته ما برای کار، شاید بهتر باشد بگوییم برای لمس آنچه به آن فکر به معنای مطلق می‌گویند، سراغ کپرنشینان آن دیار رفته بودیم. گروه ما در مدرسه‌ای در دشت جازموریان زیر آفتاب سوزان در اتافی بدون ابتدایی‌ترین وسایل زندگی مستقر بود. افق بی‌انتها و تهی دشت همه را مضطرب کرده بود. بی‌تردید ما به دو هفته‌ای که باید در این بیابان سوزان بدون امکانات به سر می‌بردیم، می‌اندیشیدیم. وقتی پتوها و زیراندازها را از ماشین درآوردند و اتاق فرش شد و عده‌ای به کار آشپزی رو آوردند، اندک‌اندک زندگی جریان پیدا کرد، اما تحمل گرما آن‌هم بدون هیچ وسیله خنک‌کننده‌ای طاقت‌فرسا بود. از همان روزهای آغازین یکی دو نفر از گروه جدا شدند و رفتند. تنها امتیاز این بیابان درندشت موتور آبی بود که غرش کنان آب را از زمین بیرون می‌کشید. تقسیم کارها صورت گرفت و هر گروه موظف بود روزانه پای پیاده به کپرها دور دست سر بزنند و با مردم بومی به گفت‌وگو بنشینند؛ دیدار و گفت‌وگو با مطرودان تاریخ. یکی دو نفر که سرگروه بودند جداگانه با شخصی با ماشین تویوتا منطقه را بررسی می‌کردند. راننده مردی درشت‌اندام بود که پای برهنه رانندگی می‌کرد و حتی برای نشان دادن جاهایی که باید به آنجا سر می‌زدیم، در دشت سوزان جلودار بود. او عاشقانه از جازموریان و مردمش سخن می‌گفت و بزرگ‌ترین کار را در حق ما کرد و آن چیزی نبود جز زدودن یاس و سرخوردگی از ما. سال آخر دانشکده پزشکی بود، اما درس چشم‌داشته‌ی به مردم منطقه خدمت می‌کرد. عشق بی‌انتهایش تأثیر عمیقی بر جان و روح می‌گذاشت؛ شرمساری از بودن خودمان و چگونه بودن‌مان در جهان. آیا او شهسوار ایمان بود؟ یا اینک از «تعهد تعیین‌بخش» و شهسوار تسلیم و رضا بودن عبور کرده است؟ اینک بسیار خرسندم که نامش را از یاد برده‌ام و دیگر نمی‌توانم درصدد برآیم تا پیدایش کنم، چراکه زمان هر آدمی را چنان می‌فرید و می‌فرساید و از ریخت می‌اندازد که دیگر نشانی از آنچه بود پیدا نیست. مثل خیل کسانی که هیچ شباهتی به گذشته‌شان ندارند، نه از آن روزگار در آن‌ها نشانی هست و نه در میان مردم اعتباری دارند؛ کسانی که امروز مردم آنان را به‌عنوان مدیران ناکارآمد، منعت‌طلبان رانت‌خوار و غارتگران این آب و خاک می‌شناسند. بی‌هیچ شک و شبهه‌ای یکی از مشکلات جدی جامعه کنونی این است که دیگر در آن افرادی که تعهدی تعیین‌بخش داشته یا شهسوار تسلیم و رضا یا شهسوار ایمان بوده‌اند خبری نیست. شاید ایدئولوژی سرمایه‌داری است که اخلاق فایده‌گرایی را بر جامعه مسلط کرده است، شاید هم این وضعیت از عوارض ناامیدی وقایع پساانقلاب است. آنچه قرار بود بشود، نشده است و اینک به‌ذرت کسانی پیدا می‌شوند که تعهدی تعیین‌بخش داشته باشند؛ «تعهد تعیین‌بخش، جهان فرد را تعیین می‌کند. به سخن دریفوس، اگر چنان تعهدی داشته باشید، چیزی در جهان شما نیست که نتوان آن را با رجوع به این تعهد توضیح داد. بدین‌رو این تعهد خاصیتی تمامیت‌بخش دارد و همه جهان فرد را دربر می‌گیرد. باید توجه کرد که تا پیش از شکل‌گیری تعهد تعیین‌بخش، اساساً جهانی وجود ندارد و فرد در واقع نه فرد، بلکه موجودی جزئی است»<sup>۱</sup>. دریفوس در این تفسیرش از کی‌پرکگور به نکته‌ای اساسی اشاره دارد. اگر آدمی در پی کنترها باشد و اندیشه و باوری متمرکز برای انجام کاری بر اساس عشق نداشته باشد، به «فرد» تبدیل نخواهد شد و همواره خودش و کسی را که بوده فراموش می‌کند و هر دم به شمایلی تازه درمی‌آید. کی‌پرکگور خود به زیبایی این مفهوم را این‌گونه بیان می‌کند: «تنها طبایع پست خود را فراموش می‌کنند و به چیز تازه‌ای تبدیل می‌شوند. از این‌رو پروانه یکسره فراموش کرده است که کرمی درختی بوده است؛ و شاید باز هم پروانه بودن را چنان به‌طور کامل فراموش کند که بتواند به ماهی تبدیل شود. طبایع عمیق‌تر هرگز خود را فراموش نمی‌کنند و هرگز به چیزی جز آنچه بوده‌اند مبدل نمی‌شوند»<sup>۲</sup>.

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید. عکس: سپهناگلی شرق



شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴  
۱۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۶  
۱۰ می ۲۰۲۵  
سال بیست‌ویکم  
شماره ۵۱۰۵  
۳۰ هزار تومان  
صفحه ۱۲

گزارش خبرنگار اعزامی «شرق» به دهلی نو  
تاکید عراقچی بر لزوم خویشتن‌داری و تقویت روابط اقتصادی با هند  
دیپلماسی صلح و توسعه

۲



در «شرق» امروز می‌خوانید: رژه در میدان سرخ؛ رقص بر لبه فراموشی • کارشناسان از اهمیت از سرگیری اکتشاف و استخراج نفت از دریای مازندران می‌گویند • گفت‌وگو با فیلم‌ساز کلمبیایی درباره سینمای کوتاه

«شرق» از اختلافات فزاینده تانیاوو و ترامپ گزارش می‌دهد

# توافق با تهران بدون چراغ سبز اسرائیل

گزارش تیتربکر در صفحه ۲ بخوانید

درگذشت شیوا ارسطویی، نویسنده و شاعری که از خوف روزگارش نوشت

## بیاتمامش کنیم!

این گزارش را در صفحه ۱۲ بخوانید. عکس: امیر جدیدی

گفت‌وگوی محمدرضا یزدان پرست با مهدی فخیم‌زاده

## هرگز از ایران نمی‌روم

برگزیده‌ها

چرا جنگ هند و پاکستان متفاوت است؟

### رقص شمشیرها در سایه بمب اتم

گزارش «شرق» از وضعیت معیشت و روان سالمندان با توجه به آمار وقوع ۵ تا ۱۲ خودکشی از هر ۱۰۰ هزار نفر از آنها

### هشدار درباره افزایش خودکشی سالمندان

گزارش «شرق» از جنایات تکان‌دهنده قتل ۲ جوان در استان فارس در گفت‌وگو با اهالی و خانواده مقتولان

### داغ سنگین جنایت آباده

گفت‌وگو با مهسا صابری، ارزشمندترین بازیکن والیبال زنان

### حذف مریبان مردضربه بزرگی به تیم ملی بود

برپایی چهارمین اجتماع بزرگ «امام‌رضایی‌ها»

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی:

### هددهمین نمایشگاه گردشگری و صنایع دستی کشور در مشهد برگزار می‌شود

یادداشت

## وزارت آب نوشدارویی دیر هنگام

عبدالحسین طوطیابی  
پژوهشگر کشاورزی

در حال حاضر طرح تشکیل وزارتخانه‌های انرژی و آب با امضای ۴۵ نماینده در مجلس شورای اسلامی بررسی شده است. براساس ماده واحده‌ای به این منظور «دولت مکلف است تا پایان سال ۱۴۰۶ تمهیدات لازم را برای تشکیل وزارت انرژی از ادغام بخش برق وزارت نیرو در وزارت نفت و نیز تشکیل وزارت آب و محیط زیست از ادغام بخش آب وزارت نیرو با سازمان حفاظت محیط زیست به نحوی فراهم آورد...

یادداشت

## سفر ترامپ، جزایر ایرانی و هشداریک غفلت راهبردی

بازتعریف ژئوپلیتیک خلیج فارس

حمیدرضا اکبری

عسور از نمادها، ورود به ژئوپلیتیک حقوقی؛ تغییر ماهیت این بیانیه‌ها، از مواضع اعلامی و تکراری، به زبان و ادبیاتی حقوقی و الزام‌آورتر، نشان‌دهنده آغاز یک فرایند تدریجی، اما هدفمند یعنی تبدیل منازعه‌های تاریخی به یک پرونده بین‌المللی فعال است. این روند، اگر چه به کندی پیش می‌رود، اما از منطق «فرسایش مشروعیت» بیرونی می‌کند. تضعیف مواضع ایران در گذر زمان، با بهره‌گیری از خلاهای دیپلماتیک، ضعف در رسانه‌سازی و کاهش اثرگذاری منطقه‌ای جمهوری اسلامی. در سال‌های اخیر، چهار عامل اصلی زمینه‌ساز این تغییر فاز راهبردی بوده‌اند:

- کاهش انسجام در حکمرانی و ضعف مزمن در سیاست خارجی ایران که باعث ناتوانی در پیش‌بینی یا پیش‌دستی بر تحولات شده است.

سفر قریب‌الوقوع ترامپ به منطقه خلیج فارس، شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر، از اکنون توجه رسانه‌ها و نهادهای راهبردی را جلب کرده است. با وجود برخی گمانه‌زنی‌ها، شواهد و زمینه‌های سیاسی منطقه حاکی از آن است که با یک تحول ژئوپلیتیکی در حال شکل‌گیری مواجهیم که می‌تواند به طور مستقیم منافع بلندمدت ایران را تحت تأثیر قرار دهد. در نگاه اول، هدف این سفر را می‌توان در چارچوب سنتی پیوند منافع آمریکا با اقتصاد انرژی، امنیت رژیم صهیونیستی و مهار محور مقاومت ارزیابی کرد. اما اگر عمیق‌تر بنگریم، با سطح جدیدی از دیپلماسی بحران‌زا مواجه می‌شویم که به دنبال بازتنظیم موازنه منطقه‌ای، نه فقط در میدان‌های نظامی یا امنیتی، بلکه در حوزه‌های حقوقی و نمادین حاکمیت است. یکی از نشانه‌های مهم این تغییر، حرکت تدریجی موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی - ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک - از سطح بیانیه‌های نمادین کشورهای عربی، به سوی فضای دیپلماسی فعال و اقدام سیاسی هدفمند است. در سال‌های اخیر، این موضوع در بیانیه‌های مشترک میان امارات با قدرت‌های جهانی از جمله اتحادیه اروپا، چین، روسیه و حتی ترکیه، به شکلی بی‌سابقه برجسته شده است. در بسیاری از این بیانیه‌ها، از ایران خواسته شده است که به داوری بین‌المللی تن دهد یا «مسئله» را «حل‌وفصل مسالمت‌آمیز» کند؛ واژگانی که در ادبیات دیپلماسی، زمینه‌ساز طرح رسمی دعاوی در مجامع حقوقی بین‌المللی است.

# مفتخریم به دوستی و دیدار شما

انتشارات «کتاب شرق» میزبان شماست در نمایشگاه کتاب تهران

## راهروی ۱۸ غرفه ۵۸۳

«دوزاری‌اش افتاده» یا «دوزاری‌اش نیفتاده». این نوع کاربرد عبارات و کلمات هم گستره فراوانی دارد و حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود که یکی از آشناترین آنها در این چند دهه که حالا کاربرد بیشتری در بخش‌هایی مثل سیاست یافته، عبارت «جعبه‌سیاه» است که از حوزه هوانوردی عاریت گرفته شده. همان جعبه‌سیاهی که همه گزارش‌های یک پرواز از لحظه برخاستن هواپیما از زمین تا وقت نشستن در آن ضبط می‌شود و اگر خدای ناکرده هواپیما دچار سانحه شود، معتبرترین منبع برای داوری اینکه چه رخ داده، همین اطلاعات ضبط‌شده درون جعبه‌سیاه است.

در این چند دهه، وقایع بسیاری در کشور ما رخ داده که به نوعی کوبی جعبه‌سیاهش کم شده و مواقع آنچه اتفاق افتاده، در حال‌های از ابهام مانده و به جای وضوح در موضوع، ابهام‌هایی که کمک به گسترش و پذیرش شایعه در آن موضوع شده، فرصت را برای تأثیر و تخریب اعتماد عمومی ایجاد کرده است.

یادداشت

## جعبه‌سیاه یک تخریب بزرگ‌تر

مهررداد احمدی شیخانی

یکی از ویژگی‌های زنده بودن یک زبان، آن است که بتواند برای مفاهیم جدید کلمات تازه بسازد یا عبارتی را از حوزه‌های مختلف برای انتقال پیام، در زمینه‌های متفاوت وام بگیرد. شاید یکی از معروف‌ترین این وام‌گرفتن‌ها، عبارت ترکیبی «افتادن دوریالی» باشد که البته الان چند سالی است دیگر کمتر به کار می‌رود، ولی در زمان خودش، استفاده از آن بسیار رایج بود. ماجرا هم برمی‌گشت به تلفن‌های عمومی قدیمی که برای اینکه بتوان با آن کار کرد و تماس برقرار شود، ابتدا لازم بود که یک سکه دوریالی را از شکافی که بر روی تلفن قرار داشت وارد کرد و بعد از شنیدن صدای بوق، شماره گرفت. گاهی پیش می‌آمد که صدای بوق شنیده نمی‌شد و امکان برقراری تماس مقدور نبود و باید سکه را دوباره در شکاف تلفن انداخت. در این مواقع می‌گفتند که دوریالی یا به گفته عامیانه «دوزاری» نیفتاده است. همین افتادن و نیفتادن «دوزاری» به‌مرور وارد فرهنگ عمومی شد و برای آنکه بگویند یک نفر در موضوعی بخصوص، متوجه مطلب شده یا نشده، می‌گفتند

